زبان فارسی در لکنهو

عامر، خان محمد

پس از شورش‏های 1857 م.زبان و ادبیات‏ فارسی نه فقط در شهر لکنهو،بلکه در استان اوده‏ نیز رو به زوال گذاشت و زبان اردو کم کم جای آن‏ را گرفت.(1)البته در لکهنو و برخی از روستاهای‏ اطراف آن مانند ملیح آباد،کاکوری،اله آباد و شاه‏ جهان‏پور هنوز افرادی بودند که به فارسی و زنده‏ نگاه داشتن آن علاقه نشان می‏دادند.

سرشناس‏ترین آنان در لکهنو عبارت بودند از:

1)امیر مینایی

امیر مینایی،یکی از بزرگ‏ترین شاعران فارسی‏ و اردو زبان لکهنو بود.وی،اولین شاعری بود که‏ در اشعارش،از واژه‏های فارسی استفاده می‏کرد.

به دلیل شهرت امیر مینایی،لکهنو به«میناگری» معروف شده بود.در کنار بیمارستان لکهنو، خانقاه‏های مینایی وجود داشت.لکنهو در زمان‏ امیر مینایی مرکز علوم و فنون بود و مردم به علم و هنر علاقه وافر داشتند.مدارس علوم و فنون،فقه و حدیث و غیره رونق فراوان داشت و موسیقی و شعر و شاعری از اهمیت ویژه‏ای برخوردار بود.

بعد از شورش 1857 م.اکثر دانشمندان‏ و عالمان هند،جذب دربار انگلیسی‏ها شدند و القابی چون«صدر الامین»و«صدر الصدور» گرفتند.خانواده مینایی نیز خواستار آن بود که امیر به دربار انگلیسی‏ها راه یابد،ولی دلدادگی وی به‏ شعر و شاعری،مانع آن شد.

امیر مینایی با وجودی که در قصایدش مدح واجد علی شاه کرده ولی مانند شاعران دیگر آن‏ دوره،مداح و دنیا طلب نبود.وی کتاب‏های‏ «ارشاد السلطان»و«هدایة السلطان»خود را به واجد علی شاه تقدیم کرد.واجد علی شاه هم ضمن‏ القاب«تدابیر الدوله»و«مدیر الملک»،پاداش‏هایی‏ از قبیل خلعت فاخره و انعام سلطانی به وی اعطا کرد.

نواب رام‏پور نیز امیر مینایی را به جهت داشتن‏ زهد و تقوا،بسیار احترام می‏گذاشت از این رو مسئوولیت«مفتی عدالت»را به وی واگذار کرد. سر سید احمد خان نیز درباره کمالات علمی مینایی‏ بسیار سخن گفته است.او معتقد بود که وی‏ تلاش‏های بسیاری برای ارتقای زبان‏های فارسی‏ و اردو به عمل آورده است.

امیر مینایی با مشاهده وضعیت آن دوره زبان‏ فارسی متوجه شده بود که آینده زبان فارسی و اردو با خطر مواجه است.بویژه در زمینه تلفظ صحیح‏ کلمات،مشکلات زیادی وجود داشت.بدین‏ جهت،وی شاعری را ترک کرد و به کار لغت نویسی‏ و اصلاح زبان روی آورد تا بالاخره موفق شد که‏ لغت نامه‏های سرمه بصیرت و امیر اللغات را بنویسد مینایی در این لغت نامه‏ها،تلفظهای غلط لغات‏ فارسی و اردو تلفظ صحیح لغات اصلاح کرده‏ است.

تلفظ کردن صحیح کلمات نشانه تسلط فرد به‏ زبان است.از آن جایی که زبان فارسی در آن زمان، زبان دربار و اهل علم و ادب محسوب می‏شد.

مسأله تلفظ صحیح،بسیار درخور اهمیت بود.هم‏ اکنون نیز اکثر شاعران و ادیبان فارسی و اردو زبان‏ در شبه قاره هندوستان،بیشتر واژه‏های فارسی و اردو را اشتباه تلفظ می‏کنند.از این رو،«سرمه‏ بصیرت»برای آنان چراغی است در تاریکی‏ها.

جای بسی تأسف است که بیشتر قصاید و غزلیات امیر مینایی به دنبال شورش 1857 م.از بین رفته است.

2)عبد الحمید خان قندهاری

عبد الحمید خان قندهاری،از شاعران اردو و فارسی زبان لکهنو بود.خانواده‏اش بعد از حمله‏ نادر شاه افشار،از افغانستان به هند مهاجرت کرد و در روستایی به نام«رحمان کهیرا»حوالی لکهنو سکنی گزید.

مثنوی معروف وی،حدود پانصد هزار بیت‏ دارد که با نام«شمع معرفت»به چاپ رسیده است.

نمونه‏ای از اشعار او چنین است:

در بیان حمد رب ذو الجلال‏ خوش بیانان را زبان است و لال

در ثنای او زبان اندر دهن‏ شمع خاموش است گویا در لگن

مقبلان اسب تجسس رانده‏اند عاقبت ناکام و عاجز مانده‏اند

صد فلاطون در رهش حیران شدند مثل طفلان عاجز و نادان شدند

گوید اوصافش جهانی تا ابد یک قدم بیرون از اول کی نهد

خامه می‏لرزد به کف مانند بید چون نوای حمد افراز و حمید

هان بشو در چشمه کوثر زبان‏ شمه‏ای از نعت احمد کن بیان

دولت عقبی چو خواهی ای حمید

اتباع شرع او باید گزید

آفتاب آمد وجود مصطفی‏ شد شب کفر و ضلالت پر ضیا

در سفینه اهل بیتی ای غیور بحر بی پایان عصیان کن عبور

مسلک خود بت پرستی ساختم‏ دل به راه غیر تو انداختم

\*\*\*

هر زمان اندر سرم ای ذو الجلال‏ به دو گه نیک برخیزد خیال

گه رود راه حسین و گه یزید گه سعید و گاه می‏گردد پلید

این نصایح ختم کردم و السلام‏ یاد گیر از ما که باشی شادکام

پند کردن فرض بر عاقل بود گفتمش کس بشنود یا نشنود

3)مولوی قدرت الله بیگ‏دار ملیح‏آبادی

مولوی قدرت الله بیگ‏راد ملیح‏آبادی،یکی از بزرگترین عالمان هند به شمار می‏رود.وی به‏ زبان‏های عربی و فارسی تسلط کامل داشت و استاد زبان فارسی مدرسه فرقانیه بود.کتاب‏ «زبدة القواعد»او که زبان فارسی است،جزو کتب‏ درسی مهم بشمار می‏رفته است.

قدرت الله بیگ،قصیده‏ای به نام مطالع‏ المحامد در مدح حضرت محمد(ص)سروده که‏ در سال 1935 م.،در لکهنو به چاپ رسیده.این‏ قصیده شش هزار بیت دارد که در آن،هیچ حرف‏ نقطه‏داری نیامده است.

نمونه‏ای از این قصیده چنین است:

در آلاء اکرام دارای اعلا مع طاس گوهر سماء معلا

سر راد در رای حمد مطهر لوا و لا وسط مدح دارا

دگر دال،دال معلای مادح‏ سوء راه و رسم رسول معلا

مع ماه روی رسول مکرم‏ مهام معلا دارای اعلا

4)مولانا محمد غوث بیگ سیفی ملیح آبادی

مولانا محمد غوث بیگ،پسر قدرت الله بیگ از شاعران فارسی و اردو زبان لکهنو بود.وی‏ کتاب‏هایی به منظور یادگیری زبان فارسی با روش‏ ساده و آسان به نام‏های گلزار فارسی و گلدسته‏ فارسی نوشت که در سال 1929 م.در لکهنو به‏ چاپ رسید.

همچنین علما،فقها،اطباء،شعرا و سخنوران‏ بسیاری در ملیح آباد واقع در 25 کیلومتری لکهنو زندگی می‏کردند که سرشناس‏ترین آنان عبارتند از:

1)حکیم حافظ عبد الرحیم

حافظ عبد الرحیم پسر خلف شاه حسین احمد محدث،یکی از معروف‏ترین شاعران فارسی، اردو و هندی زبان ملیح آبادی با تخلص«شیفته»

بود.عبد الرحیم با تصوف،حدیث،فقه و طب نیز آشنایی کامل داشت:

نمونه‏ای از اشعار فارسی وی چنین است:

بفرمود پیر طریق هدا سه رکن سلوک است گویم ترا

یکی اتباع رسول خدا به هر حال باشد ترا رهنما

دوم ذکر حق را دو اما کنی‏ سوم باش در عکس نفس ولی

\*\*\*

نعت رسول خدا(ص) دل سرای تو یا رسول الله

جان بهای تو یا رسول الله‏ حرز جان من حزین باشد

هر دعای تو یا رسول الله‏ جام جمشید کی قبول کند

هر گدای تو یا رسول الله‏ تخت عرش برین مشرف گشت

زیر پای تو یا رسول الله‏ دل مضطر چون کند تسکین

بی‏لقای تو یا رسول الله‏ در دلت نیست جز هدایت خلق

مدعای تو یا رسول الله‏ روشنی بخش دیده جانست

خاک پای تو یا رسول الله‏ «شیفته»بخشش همین خواهد

از عطای تو یا رسول الله‏

2)محمد مرتضی خان ابن محمد عباس خان

محمد مرتضی خان ابن محمد عباس خان، از شاعران فارسی‏زبان ملیح‏آباد بود که در سال‏ 1241 هـ.ق متولد شد.دیوان اشعار وی‏ در سال 1313 هـ.ق در چاپخانه«مظهر العلوم» لکهنو به چاپ رسید.

نمونه‏ای از اشعار فارسی وی چنین است:

چون داد پیر مغان باده رحیق مرا به لطف خویش مگر یافته حقیق مرا

به یاد او همه وقتم به گریه کاری هست‏ در آب دیده نشاند این دل رفیق مرا

کسی که نیست خبر دوستم شگفت این است‏ به بحر غم کند آن آشنا غریق مرا

چراغ عقل و خرد در ره محبت کو فکند عشق ذقن در چه عقیق مرا

چگونه وصل در این غمکده کنم دل خوش‏ نه هست یار وفادارانی رفیق مرا

\*\*\*

آمد ز نگارم به تمنا شدم آخر کرده نه علاجم چو مسیحا شدم آخر

هر چند نهفتیم غمش را مگر این دل‏ این مایه به شوریده که رسوا شدم آخر

پروانه چون بر شمع فدا می‏شد و می‏گفت‏ بینید که در عین تماشا شدم آخر

در بحر محبت چو صبایم به سر آمد لرزیده گریان همه دریا شدم آخر

در عشق کجا صبر و خرد،شرم و تحمل‏ رفتند رفیقان همه تنها شدم آخر

اینجا چه کند سود مداوای طبیبان‏ ای وصل ز درد دل شیدا شدم آخر

\*\*\*

3)قاضی حافظ علی خلف اکبر قاضی حسین‏ رضا

قاضی حافظ علی خلف قاضی حسین رضا، یکی از فقهای ملیح‏آباد بود و از مریدان مولوی‏ سید احمد شهید بریلوی به شمار می‏رفت.وی با حدیث،آشنایی کامل داشت.به فارسی و اردو شعر می‏گفت.دیوان فارسی وی،دارای قصاید، غزلیات،رباعیات و قطعات بود که در شورش‏ 1857 م از بین رفت.وی تذکره«گلشن»را در سال 1252 هـ.ق نوشت و«چمنستان»را که‏ مجموعه اشعار شاعران اردو و فارسی زبان لکهنو است در سال 1272 هـ.ق سرود.

نمونه‏ای از اشعار فارسی وی چنین است:

به خلوت خانه دل طرفه راهی کرده‏ام پیدا در آن اقلیم ویرانی پادشاهی کرده‏ام پیدا

درین فصل بهار از همت ساقی عجب دارم‏ که دارد بهر من زیر بغل مینای خالی را

منور ساز از شمع خجالت خانه ما را دمی از مقدمت آباد کن ویرانه ما را

آن شوخ قاتل می‏رود شمشیر بران در بغل‏ عشاق در دنبال و سرها به کف جان در بغل

آن رشک مه پهلوی خود جا می‏دهد مشتاق را در بزم او چون بگذرد اجزای دیوان در بغل

\*\*\*

آفتاب پر ضیا یا چهره زیباست این‏ چشم رعنای صنم یا آهوی صحراست این

کیست یا رب این به طرف بام انسان یا ملک‏ یا پری زاد است یا خود قمر سیماست این

گوهر دندان یار ماست یا در عدن‏ قطره خون رخش یا شبنم گلهاست این

\*\*\*

شدم در عشق تو رسوا دگر از من چه می‏خواهی‏ غریبم،بی کسم،تنها دگر از من چه می‏خواهی

چو روز وصل یار،آروم بگیرد ناله زارم‏ من دل خسته بیمارم دگر از من چه می‏خواهی

\*\*\*

شیخ محمد مضطر

شیخ محمد مضطر،پسر شیخ محمد حیات‏ از شاعران فارسی زبان ملیح آباد و تخلص وی‏ «مضطر»بود.آثار وی در شورش 1857 ه.هند از بین رفت.

نمونه‏ای از اشعار فارسی وی چنین است:

گر بتان در خاک و خون بیند دل بیتاب را آب خجلت غرق سازد ماهی بی آب را

در غم یاد لب لعلش ز جان آسوده‏ام‏ ای خضر از چشمه حیوان ننوشم آب را

گردش گردون هر دم به فکر مرهمی است‏ دانی ای مضطر غنیمت صحبت احباب را

\*\*\*

5)پردهان سینگ(2)

پردهان سینگ،یکی از شاعران فارسی زبان‏ \*امیر مینایی،یکی از بزرگ‏ترین‏ شاعران فارسی و اردو زبان‏ لکهنو بود.وی،اولین شاعری‏ بود که در اشعارش،از واژه‏های‏ فارسی استفاده می‏کرد.به دلیل‏ شهرت امیر مینایی،لکهنو به‏ «مینانگری»معروف شده بود.

ملیح آباد بود.وی،شاهنامه فردوسی را خلاصه‏ کرد و آن را در سال 1268 هـ.ق.در چاپخانه‏ علی بخش خان لکهنو به چاپ رساند.این خلاصه‏ 518 صفحه دارد و آغاز آن چنین است:

حمد و ثنا بهر جان آفرین‏ نعت ز بهر ختم المرسلین

\*\*\*

6)راجه الفت‏رای

راجه الفت رای،از خانواده کایست(3)و از شاعران فارسی و اردو زبان ملیح‏آباد بود.وی با مرثیه سرایی درباره امام حسین(ع)در کوتاه مدت‏ شهرت فراوانی کسب کرد.

نمونه‏ای از اشعار فارسی وی چنین است:

السلام ای مدح تو آیات قرآن مبین‏ السلام ای ذات پاکت کعبه علم و یقین

السلام ای پایه‏ات تاج سر عرش برین‏ السلام ای سایه‏ات خورشید رب العالمین

آسمان غر و تمکین آفتاب دار و دین‏

\*\*\*

مهبط نور الهی مصدر آثار غیب‏ مخزن سر سلونی مطرح انظار غیب

معدن علم الدنی مشرق انوار غیب‏ مقصد تنزیل بلغ مظهر اسرار غیب

مطلع یتلون شاهد مقطع حبل المتین‏

\*\*\*

پنج نوبت زد و به نامت نه فلک در هشت خلد ربع مسکون از سه حرفش گشته یکسر هشت خلد

زیر حکمت درد و عالم کشور هشت خلد مفتی هر چهار دفتر خواجه هر هشت خلد

داور هر شش جهت اعظم امیر المؤمنین‏

\*\*\*

7)دیوی پرشاد(4)

دیوی پرشاد،از خانواده کایست و از مرثیه‏ سرایان فارسی زبان ملیح‏آباد،در زمان غازی الدین‏ حیدر(1814 م.)بود.

نمونه‏ای از مرثیه وی چنین است:

ای درد میازار مرا این قدر امشب‏ بگذار که دستی بنهم زیر سر امشب

چون تعزیه‏داران به سر نعش دل ما غم مرثیه خوانست و الم نوحه‏گر امشب

\*\*\*

8)حکیم سعید عبد العزیز

حکیم سعید عبد العزیز،پسر حکیم حافظ عبد الرحیم از اطبای معروف ملیح‏آباد بود و به دلیل‏ تسلطش در طب،به«لقمان»شهرت یافت.وی‏ شاعر هم بود و اشعاری به زبان فارسی سروده که‏ نمونه‏ای از آن چنین است:

ای دلربا ماه لقا با خویش مهمان کن مرا یک جلوه فرما ای پری مثل سلیمان کن مرا

از وفور گریه چون یعقوب چشمم کور شد با جمال یوسفی ای نازنین آشنا کن مرا

تا به کی از وصل خود دورم کنی بهر خدا از رقیبان دور شو کز هم نشینان کن مرا

\*\*\*

از زمین تا آسمان ذکر تو دارد هر زمان‏ بلبل شوریده را بر گل چه شیدا کرده‏ای

در حریم یار چون راهی نمی‏یابی عزیز هان مگر فریاد در کویش نه بر ما کرده‏ای

\*\*\*

هر چند این بزرگان علم و ادب،تلاش‏های‏ فراوانی برای گسترش زبان و ادبیات فارسی در لکهنو و اطراف آن انجام داده‏اند،اما کوشش‏های‏ آنان راه به جایی نبرد و زبان فارسی کم کم رو به زوال‏ گذاشت.

پی‏نوشت:

(1). wonkcul

(2). nahdraP hgnis

(3). tseyak

(4). iveD dasarP

منابع:

(1)اردوکی هندو ادیب،ناظر کاکوروی،لکهنو،چاپخانه‏ مولایی،1856 م.

(2)بوستان آورده،کنور گنگا پرشاد،لکهنو،چاپخانه‏ احمدی،1892 م.

(3)تاریخ ادب اردو،رام بابو سکسینه،لکهنو،چاپخانه راجه‏ رام‏کمار،1992 م.

(4)تاریخ لکهنو،محمد باقر شمس،کراچی،بی‏تا.

(5)نوابی عهدکی هندوان کا فارسی ادب مین یوگدان،نریندر بهادر سریواستو،رامپور،چاپخانه نظامی،1979 م.